

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۰۵

جایگاه نهاد وکالت در چارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر

۶۵

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

جایگاه نهاد وکالت در چارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر
ابوالفضل سلیمیان و همکار

ابوالفضل سلیمیان^{*۱}
سعید دریایی بغدادآبادی^۲

۱. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، یزد، ایران.

۲. دکتری حقوق بین‌الملل، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافق، یزد، ایران.

چکیده

دادرسی عادلانه یکی از مهمترین ضرورت‌های جامعه دموکراتیک می‌باشد که در تمام اسناد حقوق بشری چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه‌ای شناسایی شده است. بر این اساس، یکی از عواملی که جزء لاینفک و اجتناب‌ناپذیر یک دادرسی عادلانه و منصفانه محسوب می‌شود، حضور وکیل مدافع در دادرسی و دفاع از حقوق مادی و معنوی موکل خود است، به طوری که این مقوله، پرورش‌یافته مکتب حقوق بشر و رهیافتی به سوی اجرای عدالت و حفظ کرامت انسانی می‌باشد. امروزه می‌توان «وکالت» را چه از لحاظ مبنایی و چه از لحاظ مفهومی در چارچوب اسناد بین‌المللی اعم از کنوانسیون‌ها، معاهدات، پروتکل، بیانیه‌ها و لوایح بین‌المللی مشاهده کرد. با توجه به چنین رویکردی، هدف از این نوشتار شناسایی و بررسی جایگاه نهاد وکالت در اسناد متعدد بین‌المللی حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه اسلامی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، کنوانسیون اروپایی و آمریکایی حمایت از حقوق بشر و مجموعه اصول اساسی مربوط به نقش وکلاء، می‌باشد. در نهایت با بررسی این موارد خواهیم یافت که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و معاهدات بشردوستانه و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، «وکالت» رکن اساسی نظام قضایی است و نقش مستقیمی در استقرار حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دارد.

واژگان کلیدی: وکالت، اسناد بین‌المللی، حقوق بشر، دادرسی عادلانه.

نهاد وکالت به عنوان بخشی از جامعه مدنی و مرتبط با دستگاه قضایی در هر جامعه‌ای می‌تواند با ایفای نقش در سطوح مختلف به حمایت از حاکمیت قانون و تحقق عدالت پرداخته و به تبع آن نیز حقوق بشر را حمایت نموده و آن را تقویت کند. بر این اساس، اصل مساوات و بهره‌مندی از حقوق و تضمینات کافی در مقابل قانون و دستگاه قضا و لزوم رعایت معیارهای دادرسی عادلانه در فرایند کیفری در زمره اصول مترقی و پیشرفته‌ای است که صراحتاً در کلیه اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد اشعار واقع شده است و نکات مهم آن‌ها بدین شرح می‌باشد: ۱- حضور آزادانه و کیل متهم در تمام مراحل دادرسی کیفری بالاخص در مرحله تحقیقات مقدماتی ۲- اطلاع‌رسانی به متهم در خصوص حق داشتن وکیل در تمام مراحل دادرسی کیفری ۳- انتخاب وکیل تسخیری برای متهم در تمام مراحل دادرسی به ویژه در مواردی که متهم توان انتخاب وکیل را نداشته و مصالح عدالت اقتضاء داشته باشد. بدین ترتیب حق حضور وکیل مدافع در دادرسی به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر، نشان‌دهنده اهمیت موضوع برای جامعه بین‌المللی بوده و حتی حفظ و رعایت حقوق افراد بشر از برترین نشانه‌های مشروعیت دولت‌ها محسوب می‌شود به نحوی که اغماض و تزییع حقوق افراد جامعه از سوی دولت‌ها هیچ توجیهی نخواهد داشت. (سیفی قره یثاق و مهدی‌پور، ۱۳۹۳: ۵) صرف‌نظر از لایحه بین‌المللی حقوق بشر، اسناد مهمی از جمله: اصول اساسی مربوط به نقش وکلاء، مصوب هشتمین کنگره ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم (۱۹۹۰)، مجموعه اصول حمایت از همه اشخاص تحت هرگونه بازداشت یا حبس مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۸)، قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان مصوب کنگره ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم (۱۹۵۵)، قواعد ملل متحد برای حمایت از اطفال بزهکار محروم از آزادی مصوب مجمع عمومی ملل متحد (۱۹۹۰)، و چند سند دیگر، هر یک نکات صریح یا ضمنی را در خصوص حق حضور وکیل در دادرسی منعکس کرده‌اند که امروزه در اکثر متون تحلیلی علمی خصوصاً در مجامع بین‌المللی بدان‌ها استناد می‌شود. همچنین این اسناد در طبقه‌بندی سازمان ملل متحد تحت عنوان «حقوق بشر در مدیریت دادگستری» قرار دارند. اسناد مذکور به طور عمده در جلسات پنج سالانه سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرایم و رفتار با مجرمین تدوین شده و توسط دولت‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد یا شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد تصویب شده‌اند. این اسناد الگوی مناسبی برای دولت‌ها در رفتار و اقداماتشان به شمار می‌روند و نقش به‌سزایی

در توسعه نظام قضایی یک کشور دارند، به طوری که عموماً در مقدمه آنها آمده است: آگاهی از این استانداردها به ارتقاء و کارایی، تأمین استقلال و بی طرفی قوه قضاییه، پیشبرد اهداف عدالت و منافع عمومی، امکان نظارت بر رفتارها در زمینه عدالت کیفری، اجتناب از سوءاستفاده‌های احتمالی صاحبان قدرت، سنجش وضعیت دادگستری، حمایت از حق حیات، آزادی و امنیت شخصی، تضمین‌های لازم امر دفاع و ایجاد هنجارهای منطبق با اصل منجر می‌شود. (کوئل، ۱۳۸۳: ۷۱) لازم به ذکر است که از اواخر قرن بیستم به بعد تأکید بر حمایت از حقوق متهم، جنبه بین‌المللی و جهانی به خود گرفته و کشورهای دموکراتیک را بر آن داشته است که تمهیدات و تضمینات گوناگونی را در ارتباط با حقوق و آزادیهای متهم اتخاذ نمایند. به عنوان مثال میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی که در دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است این حقوق را به رسمیت شناخته و در بند «د» از بند ۳ ماده ۴ این میثاق مقرر می‌دارد: «در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل خود، از خود دفاع کند و در صورتیکه وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از سوی دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین شود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله، هزینه‌ای نخواهد داشت.» در نتیجه با مقایسه اعلامیه‌های جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به عنوان یکی از منابع مهم حق دفاع متهم، لزوم رعایت این حق توسط دولت‌ها و پیش‌بینی تضمین‌های لازم جهت اجرای هرچه بهتر این حق احساس می‌شود. ضمن آنکه بر خلاف اعلامیه‌های جهانی و اسلامی حقوق بشر که صراحتاً ذکری از این حق ننموده، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون‌های اروپایی، آمریکایی و آفریقایی حقوق بشر به طور صریح از لزوم وجود و رعایت حق دفاع متهم و ضرورت حضور وکیل سخن گفته‌اند. (سلیمیان و احمدیان، ۱۳۹۴: ۳۸) بنابراین، این مقاله تلاش خواهد داشت تا جایگاه نهاد وکالت را در چارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر بررسی کند و پاسخ مقتضی را برای سؤال زیر ارائه نماید:

جایگاه نهاد وکالت در چارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر
 آیا الفاضل سلیمیان و همکار

جایگاه نهاد وکالت در چارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر

پیدا کرده است؟

برای پاسخ به این سؤال، این مقاله در شش مبحث تنظیم شده است. در مبحث اول به رویکرد اسناد جهانی و منطقه‌ای مبنی بر اهمیت نهاد وکالت، در مبحث دوم، حق دفاع در نظام حقوق بین‌الملل بشر، در مبحث سوم جایگاه استقلال وکیل در نظام حقوق بین‌الملل بشر، در مبحث چهارم، وکیل و حاکمیت قانون در محاکم بین‌المللی حقوق

بشر، در مبحث پنجم، مصادیقی از حق دسترسی به وکیل در محاکم بین‌المللی و نهایتاً در مبحث پایانی، حمایت از حق حضور وکیل مدافع در گستره فراملی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱- رویکرد اسناد جهانی و منطقه‌ای مبنی بر اهمیت نهاد وکالت

۱-۱- اسناد جهانی

۱-۱-۱- وکالت در لایحه بین‌المللی حقوق بشر

حق حضور وکیل در کلیه ترافعات (حقوقی، اداری و ...) و همچنین در اسناد و معاهدات بین‌المللی به صورت بسیار چشمگیری مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است و حتی در معاهدات حقوق بشری از مصادیق حقوق بنیادین انسانی تلقی شده و هرگونه نقض آن به معنای نقض حقوق بنیادین بشر می‌باشد. بر این اساس، عنوان «لایحه بین‌المللی حقوق بشر»^۱ که مرکب از «اعلامیه جهانی حقوق بشر»^۲ مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی^۴، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی و پروتکل‌های الحاقی آن^۵ مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ و ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ میلادی است، به اصول تساوی در برابر قانون، اصل برائت، حق دادرسی منصفانه و علنی توسط دادگاه بی‌طرف و مستقل، همچنین کلیه تضمین‌های لازم و ضروری برای دفاع از افرادی که متهم به جرایم کیفری می‌باشند و حق محاکمه بدون تأخیر، تصریح می‌نماید. (نمایان و طیبی، ۱۳۸۷: ۲۲۳) در بند نخست ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او به طور قانونی محرز شود.» از جمله تضمین‌های لازم برای دفاع، حق انتخاب وکیل است که در تشریح این حق ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد:

۱. همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری برابر هستند. هر کس حق دارد به اینکه دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده، طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقیقت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید. تصمیم سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی خواه به جهات اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در یک نظام اجتماعی دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی

خصوصی اصحاب دعوی اقتضاء کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیات خاص، علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد تا حدی که دادگاه لازم بداند امکان دارد. لکن حکم صادره در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود مگر آنکه مصلحت صغار طور دیگری اقتضاء نماید یا دادرسی مربوط به اختلافات زناشویی یا ولایت اطفال باشد.

۲. هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه تلقی شود تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.

۳. هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقفل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت:

الف) در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع شود. ب) وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع از خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد. ج) بدون تأخیر غیر موجه درباره او قضاوت شود. د) در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل خود، از خود دفاع کند و در صورتیکه وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از سوی دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین شود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله، هزینه‌ای نخواهد داشت.

همانطور که از مفاد این ماده برداشت می‌شود کلیه موارد ناظر به فرایند رسیدگی به امور کیفری و شامل چند عنوان مهم است: ۱- اصل برائت، به موجب این اصل هر فردی بی‌گناه است مگر آنکه خطا و گناه او در دادگاه صالح به اثبات برسد. ۲- ضمانت دفاع مناسب شامل حق انتخاب وکیل، اطلاع از اتهام وارده در اسرع وقت، اعطای فرصت و امکانات مناسب و کافی برای تهیه دفاعیه و ارتباط با وکیل، امکان استفاده از شهود موافق و مخالف و تأمین مترجم در موارد ضروری؛ ۳- محاکمه بدون تأخیر.

در این میان از اهم ضمانت‌های دفاع مناسب مندرج در «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، حق انتخاب وکیل و ارتباط با اوست که «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» در مقام تشریح عبارات مذکور در ماده ۱۱ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» بر شمرده است. (کشاورز، ۱۳۸۷: ۱۲۱)

۱-۱-۲- اصول اساسی مربوط به نقش وکلاء

این سند از مهمترین اسناد بین‌المللی و مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین است که در ۲۷ اوت تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ در کوبا (هاوانا) برگزار شد. و به موضوع وکالت و وکیل می‌پردازد. نقش وکلاء در تحقق اهداف

مذکور در «لایحه بین‌المللی حقوق بشر» از چنان اهمیتی برخوردار است که هشتمین کنگره سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان در کنار موضوعات «اصول اساسی استقلال قضایی»، «رهنمودهای نقش دادستان‌ها»، «قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان» و «نظامنامه رفتار ضابطین دادگستری» در مصوبه‌ای خاص تحت عنوان «اصول اساسی نقش وکلاء» به موضوع وکالت و استقلال آنها پرداخته است. در بخشی از مقدمه این سند آمده است: «... با توجه به اینکه حمایت کافی و مناسب از حقوق بشر و آزادیهای اساسی که کلیه افراد حق برخورداری از آنها را دارا هستند در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا سیاسی - مدنی، مستلزم آن است که کلیه افراد دسترسی مؤثری به خدمات حقوقی وکلای حرفه‌ای و مستقل داشته باشند. و با توجه به اینکه کانون‌های حرفه‌ای وکلاء نقش مهمی در ارتقای استانداردها و اخلاق حرفه‌ای، حمایت از اعضای خود در مقابل تعقیب و محدودیت‌ها و دخالت‌های نابجا، تأمین معاضدت قضایی برای کلیه افراد نیازمند و همکاری با مؤسسات دولتی و سایر مؤسسات به منظور پیشبرد اهداف عدالت و منافع عمومی را دارند، "اصول اساسی نقش وکلاء" برای کمک به دول عضو (سازمان ملل متحد) جهت تقویت و تضمین مناسب وکلاء تهیه شده است و باید توسط دولت‌ها به صورت وضع قوانین و تعیین رویه‌های عملی مورد توجه قرار گیرد و به اطلاع وکلاء و سایر افراد از قبیل قضات، دادستان، اعضای قوه مجریه و مقننه و به طور کلی مردم برسد.» (کشاورز، ۱۳۸۰: ۸۷) علاوه بر این طبق سند فوق‌الذکر، اصول ذیل به عنوان اصول حاکم بر حق استفاده از وکیل مدافع در دعای مطرح شده نزد محاکم به خصوص در دعای جزایی به دست می‌آید:

- ۱- انتخابی بودن وکیل، وکیل مدافع باید با انتخاب متهم باشد. (اصول اول و پنجم)؛ ۲- رایگان بودن وکالت در صورت ناتوانی متهم مبنی بر پرداخت هزینه وکیل مدافع. (اصل ششم سند یاد شده)؛ ۳- ماهر و با تجربه بودن وکیل. (اصل ششم و نهم)؛ ۴- فوری بودن حق برخورداری از وکیل. (اصل هفتم)؛ ۵- ملزم بودن دولت‌ها بر فراهم آوری مصونیت وکلاء در برابر هر نوع ترس و تهدید. (اصل شانزدهم)؛ ۶- مصونیت وکلاء از تعقیب‌های مدنی و جزایی در قبال اعمال حرفه‌ای خویش. (اصل بیستم)؛ ۷- بر چسب نخوردن وکیل. (اصل هجدهم)؛ منظور از اصطلاح بر چسب یا مارک نخوردن وکیل، آن است که وکیل را نباید به این دلیل که از یک متهم دفاع می‌کند طرفدار وی دانست و اتهام وی را به وکیل هم نسبت داد. ۸- محرمانه بودن مکالمات وکلاء با موکلان خویش. (اصل هشتم و بیست و دوم).

۱-۱-۳- قرارداد ژنو راجع به رفتار با اسیران جنگی

از دیگر اسناد جهانی که ضرورت مداخله وکیل در دادسرا و حق سکوت متهم قبل از مداخله وی را مورد تأکید قرار داده و عدم رعایت این حق را دلیل بی‌اعتباری احکام قضایی شناخته است می‌توان به قرارداد ژنو راجع به رفتار با اسیران جنگی (مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ میلادی)، اشاره نمود. ماده ۷۲ قرارداد ژنو راجع به حمایت از افراد کشور در حال جنگ مصوب ۱۹۴۲ میلادی مقرر می‌دارد: «هر متهمی حق دارد وسائل استدلال لازم جهت دفاع خود را ابراز دارد؛ از جمله می‌تواند گواه آورد و نیز حق دارد از یک نفر مدافع منتخب خود کمک بگیرد. مدافع مزبور می‌تواند آزادانه با متهم ملاقات نماید و تسهیلات لازم را برای تهیه مدافعات خود دریافت دارد.» همچنین در ماده ۹۹ قرارداد ژنو در مورد معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۹۴۹ میلادی آمده است: «هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان محکوم نمود مگر آنکه وسیله دفاع داشته باشد و یک نفر مدافع صالح با وی همکاری نماید.» علاوه بر این بر اساس ماده ۱۰۵ همین معاهده، اسیر جنگی حق خواهد داشت توسط کسی از دوستان خود همراهی شود و به وسیله یک وکیل منتخب خود دفاع کند. طبق ماده ۹۳ توصیه نامه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره حداقل رفتار با زندانیان به منظور مبارزه با جرم، به متهم بازداشت شده امکان داده می‌شود که برابر قانون برای خود وکیل مدافع تعیین کند. (سیفی قره یتاق و مهدی پور، ۱۳۹۳: ۴)

۱-۲- اسناد منطقه‌ای

در مقررات و اسناد منطقه‌ای نیز مداخله وکیل در فرایند دادرسی به ویژه در دادسرا به رسمیت شناخته شده است. این اسناد عبارتند از:

۱- بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۷۸ میلادی) که مقرر می‌دارد: «... در طول دادرسی هر شخص حق دارد با تساوی کامل از حداقل تضمینات زیر برخوردار باشد:

ج) فرصت و تسهیلات کافی جهت آماده شدن برای دفاع در اختیار وی گذاشته شود.
د) متهم حق داشته باشد شخصاً از خود دفاع کند و یا وکیل منتخبش به او کمک کند و آزادانه و به طور خصوصی با وکیل خود ارتباط داشته باشد. ه) اگر متهم شخصاً از خود دفاع نکند و یا در زمان تعیین شده قانونی وکیل معرفی نکند این حق لاینفک و انتقال‌ناپذیر اوست که وکیل معین شده به وسیله دولت به وی مساعدت کند، اعم از اینکه اجازه تعیین چنین وکیلی را داده باشد یا نداده باشد.»

۲- ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۲ میلادی) در رابطه با امر دفاع توسط وکیل یا متهم مقرر می‌دارد: «هر فرد حق (درخواست) رسیدگی به دعوی خود را دارد، این حق مشتمل است بر حق دفاع، از جمله حق دفاع توسط وکیل انتخابی وی.»

۳- در بند (ه) ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی) تلویحاً به حق دفاع متهم اشاره شده است: «متهم بی‌گناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.»

۴- همچنین ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق و آزادیهای اساسی (۱۹۵۰ میلادی)، «صریحاً برخورداری از دادرسی منصفانه را که حق برخورداری از وکیل از ملزومات اصلی آن به شمار می‌آید به رسمیت شناخته و کشورهای عضو را مکلف می‌کند که قوانین خود را متناسب با این حق وضع، اصلاح و تعدیل کند و در عمل نیز محاکمات را به شیوه منصفانه برگزار نمایند.» (قهرمانی و یوسفی محله، ۱۳۸۷: ۴۲۸)

۲- حق دفاع در نظام بین‌الملل حقوق بشر

نظر به اهمیت نقش وکیل در دادرسی‌های جزایی در بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر، «حق دسترسی به وکیل» به عنوان یکی از حقوق اساسی مهم در دادرسی مورد تأیید قرار گرفته است. الزامات شرکت وکیل در دادرسی متعدد است از جمله اینکه وکیل با استفاده از داشتن حقوق کافی باعث تسریع و تسهیل در امر رسیدگی می‌شود و یا حضور وی باعث سرعت و دقت در رسیدگی و عملکرد خوب مقامات قضایی شده و جلوی طرح دعوی بی‌اساس و واهی را به طور چشمگیری می‌گیرد و باعث خواهد شد که دعوا و شکوائیه به روال قاضی در دادگاه طرح شود. بر این اساس، دخالت وکیل مدافع به نفع جامعه است، زیرا سبب می‌شود که اشتباهات قضایی کمتر شود و شهروندان از حکومت راضی باشند و رعایت حق دفاع و حمایت و رعایت آن از مظاهر بارز عدالت و امنیت قضایی یک جامعه است. (سلیمان و احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۲۶) نباید فراموش کنیم که امر دفاع یک حق است نه امتیاز. بنابراین هر فرد حق برخورداری از آن را دارد و وکیل واسطه اعمال این حق است. حق دفاع به قشر و گروه خاصی تعلق ندارد و آحاد افراد بشر می‌توانند این حق را مطالبه کنند. همگانی بودن این حق مورد توجه گردآورندگان اسناد حقوق بشری نیز بوده است و به این جهت در دسته بندی حقوق، آن را در میثاق حقوق مدنی و سیاسی لحاظ کرده‌اند، چرا که حقوق مندرج در میثاق مدنی و سیاسی جنبه فراگیر دارد، در حالی که حقوق موجود در میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

بعضاً متوجه دسته و طبقه خاصی از افراد می‌گردد. یا به عبارتی خطاب به حفظ حقوق آنان است؛ مثلاً به کارگران یا متخلفان آثار گوناگون. اما آنچه در میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌آید غالباً متوجه همه افراد است. (عزیزی فرد و اسدی نیا، ۱۳۹۳: ۷) داشتن وکیل از «تضمینات لازم برای دفاع فرد» است که در اعلامیه حقوق بشر آمده است. این حق (داشتن وکیل) از ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که برای اجرایی کردن اعلامیه جهانی حقوق بشر است برداشت می‌شود و نباید تحت هیچ عنوانی از افراد سلب شود، حتی در مرحله تحقیقات مقدماتی که از مراحل رسیدگی به یک دعوا به شمار می‌رود و به نظر می‌رسد که در آن مرحله فرد نیاز بیشتری هم به حضور به وکیل داشته باشد زیرا وی متهم است و در آن مرحله که استنطاق مکرر می‌شود از ضعف بیشتری برخوردار است. لذا بهتر است که وکیل از همان ابتدای امر در جریان پرونده قرار گیرد تا به وظیفه خود در مراحل دیگر رسیدگی به پرونده، مطلوب‌تر عمل کند. همچنین وکلاء برای استیفای حقوق خویش و مصونیت و قدرت در دفاع از حقوق شهروندان از حق دیگری در اعلامیه جهانی حقوق بشر برخوردارند که حق تشکیل انجمن و سندیکا است. (قهرمانی، ۱۳۸۶: ۱۱۲) لازم به ذکر است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و معاهدات حقوق بشر دوستانه و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، «وکالت» رکن اساسی نظام قضایی است. مطابق مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱۱ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قطعنامه شماره ۵۰/۱۹۴ سازمان ملل، «وکیل دادگستری و حق داشتن وکیل» از لوازم محاکمه منصفانه و بی‌طرفانه است. بر اساس قطعنامه شماره ۴۱/۱۹۹۴ سازمان ملل متحد و گزارش سال (۲۰۰۷ میلادی) سازمان ملل متحد، بین استقلال وکیل و قاضی و نقض حقوق بشر رابطه معناداری وجود دارد. مطابق اصول اساسی کانون‌های وکلای دادگستری مصوب ۱۹۹۰ میلادی، استقلال وکالت مستلزم ارتقای حقوق بشر و اجرای حاکمیت قانون است. طبق ماده ۱۷ اصول کانون‌های وکلاء و ماده ۳۰ اساسنامه اتحادیه‌های وکلاء، کانون وکلاء مستقل و آزاد و بدون دخالت دولت است و دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که وکلاء قادر به ایفای کلیه وظایف حرفه‌ای خود بدون هرگونه تهدید، ارعاب، ممانعت و دخالت نادرست هستند و به خاطر اقدامی که طبق وظایف استانداردها و اصول اخلاقی شناخته شده حرفه خود انجام می‌دهند نباید تحت تعقیب یا در معرض تهدید به تعقیب یا مجازات‌های اداری اقتصادی و غیره قرار گیرند. در مواقعی که ایمنی وکلاء به لحاظ وظایف‌شان در معرض تهدید قرار دارد باید توسط مقامات اداری صاحب اختیار از آنها به نحو مناسبی حفاظت شود. وکلاء نباید به لحاظ انجام

وظایف‌شان با موکل یا موکلین خود هم‌سو دانسته شوند. (طیبی و نمایان و میرترابی، ۱۳۹۳: ۶)

۳- جایگاه استقلال وکیل در نظام بین‌الملل حقوق بشر

استقلال نهاد وکالت، امری بزرگ و بسیار پر اهمیت و خطیر است، به طوری که این امر یکی از جلوه‌های اعتبار نظام دادرسی است که از یک سو به حیثیت نظام قضایی کشور مربوط می‌شود و از سوی دیگر با رعایت حقوق شهروندی و حفظ کرامت ذاتی انسان مرتبط بوده و نشان از مدنیت و سطح توسعه مدنی یک جامعه دارد. استقلال قضایی در یک کشور را نمی‌توان صرفاً وصف قوه قضاییه آن دانست، بلکه وصف کل سیستم عدالت است. در واقع سه ستون اصلی حمایت از حاکمیت قانون در جوامع دموکراتیک و تضمین حقوق بشر، قضات، دادستان‌ها و وکلاء هستند. لذا تضمین استقلال قضایی در این سه محور اساسی و مهم را باید ضروری دانست، چرا که عدم استقلال هر یک از اینها خدشه بر حاکمیت قانون، حقوق انسانی و نقض دادرسی عادلانه را در پی خواهد داشت. (سلیمیان و احمدیان، ۱۳۹۴: ۲۷۸) بر این اساس، اولین مذاکره کنون بین‌المللی وکلاء در خصوص پیشنهاد تهیه پیش‌نویس مقررات کنون در خصوص استقلال حرفه‌ای وکالت در سمینار رؤسای کنون‌ها در (May ۱۹۸۸) در بروکسل مطرح گردید. در آن سمینار پیش‌نویسی مشابه پیش‌نویس ضوابط استقلال دستگاه قضا و حرفه وکالت که توسط کمیسیون فرعی سازمان ملل درباره جلوگیری از تبعیض و حمایت از حقوق بشر تدوین گردیده بود مورد بررسی قرار گرفت. سمینار پیشنهاد نمود که در این ضوابط اصلاحات چندی به عمل آید اما بعداً با اعمال نظرات ارائه شده در سمینار بروکسل، پیش‌نویس جدیدی توسط ریاست وقت کنون، آقای کومار شانکار داس^۶ به اتفاق رئیس کمیته تدوین پیش‌نویس، آقای ای. نایل مک لوی^۷ تهیه و بین اعضای شورای کنون بین‌المللی وکلاء توزیع گردید. سپس این پیش‌نویس در همان سال ۱۹۸۸ میلادی در جلسه شورای کنون‌ها در بوئنوس آیرس مورد بررسی قرار گرفت و در اصل توافق گردید که کنون بین‌المللی وکلاء مجموعه‌ای از ضوابط را برای خود تدوین نماید. (معتمدی، ۱۳۷۹: ۳۰؛ قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۵۲۰) البته در متن اسناد شناخته شده حقوق بشر، از حق مستقل و مشخصی با عنوان حق برخورداری از وکیل مستقل، نام برده نشده است. اما در آراء و نظریات مراجع حقوق بشری مشاهده می‌شود که این حق در مواردی به طور صریح و در مواردی به طور ضمنی و با شناسایی ابعادی از آن مورد تأکید و پذیرش قرار گرفته است. برای نمونه در چند مورد از اظهار

نظریاتی که کمیته منع شکنجه در قالب ملاحظات پایانی ارائه کرده، به موضوع وکیل مستقل و لزوم تضمین استقلال وکیل پرداخته شده است. در این رابطه چند مورد از اسناد کمیسیون حقوق بشر ملل متحد یا شورای حقوق بشر ملل متحد و یا آراء کمیته حقوق بشر و یا کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و همچنین برخی بندهای قطعنامه اصول اساسی نقش وکلاء قابل ذکر می‌باشد. (طهماسبی و باقری، ۱۳۹۳: ۹) به عنوان مثال در اصول اساسی نقش وکلاء که مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل برای پیشگیری از جرائم و رفتار با مجرمین در ۲۷ اوت تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ میلادی در شهر هاوانا کشور کوبا است، بر حمایت از فعالیت وکلاء در مقابل محدودیت‌ها و فشارهای غیرضروری در ایفای وظایف خود تأکید شده و در موارد گوناگون آن به شناسایی اصولی که به استقلال وکلاء در انجام وظایف حرفه‌ای‌شان کمک می‌نماید مبادرت نموده است. (رئیس، ۱۳۹۱: ۲۳۸) با مطالعه این اسناد و آراء نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که استقلال وکیل منوط به رعایت ضوابط و استانداردهایی است که با تحقق همه آنها می‌توان مدعی استقلال وکیل و در نتیجه تضمین حق دفاع و حق دادرسی عادلانه شد. این ضوابط و استانداردها عبارتند از: الف) عدم وابستگی به حاکمیت؛ ب) امکان تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای خودگردان و حق پیوستن به آنها؛ ج) مدیریت مستقل و برآمده از میان وکلای فعال؛ د) مصون بودن از مداخلات نا به جای حکومت و سایر مراجع قدرت؛ ه) مصونیت مدنی و کیفری؛ و) داشتن امنیت شغلی و حرفه‌ای.

۴- وکیل و حاکمیت قانون در محاکم بین‌المللی حقوق بشر

برابری در مقابل قانون یکی از ارزش‌های بنیادین حقوق بشر و از معیارهای اصلی محاکمانه منصفانه و دادرسی عادلانه می‌باشد که یک دستگاه قضایی مستقل آن را به انجام می‌رساند. بدون برابری طرفین دعوی در یک محکمه، عدالت محقق نمی‌گردد. بنابراین نقش وکیل هم به عنوان یک ناظر بر اعمال و اجرای برابر و صحیح قانون صالح در محکمه و هم به عنوان یک مدافع و هم شفافیت بخش روند دادرسی، برای تحقق مفهوم عدالت نمایان می‌شود و یکی از معیارهای محاکمه منصفانه که خود از مؤلفه‌های حاکمیت قانون به شمار می‌آید حق داشتن وکیل و دسترسی به آن در کلیه مراحل دادرسی می‌باشد. همچنین یکی دیگر از مبانی حاکمیت قانون و مشروعیت بخشی به نظام حقوقی و سیاسی، میزان پابندی نظام حقوقی و سیاسی و سیستم حاکمیت قانون به حقوق بشر و الزامات ناشی از آن می‌باشد. (مرکز المیری، ۱۳۸۵: ۹۲) به طوری که حقوق دفاعی متهم

که از جمله مصادیق حداقلی و آزادی‌های اساسی بشر می‌باشد بدون وجود وکیل محقق نمی‌گردد و نقض حقوق متهم به مثابه نقض حقوق بشر و پایمال کردن حداقلی‌های حقوق یک انسان و در نتیجه تعدی علیه یکی از مؤلفه‌های حاکمیت قانون محسوب می‌شود. البته حقوق بشر هم توسط حاکمیت قانون مورد حمایت و تقویت قرار می‌گیرد و هم اینکه خود به عنوان مؤلفه‌ای از حاکمیت قانون، یکی از تضمین‌های اعمال حقوق بشر محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که «وکیل و نهاد وکالت» نقش مستقیمی را در استقرار حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از طریق تحقق بخشیدن به برخی از مؤلفه‌های حاکمیت قانون ایفا می‌کند. به طوری که انکار این نقش وکیل و محدود ساختن وکلاء صرفاً به حضور در جلسات دادرسی، می‌تواند مانع بزرگی در مسیر تحقق حاکمیت قانون در هر جامعه‌ای باشد و مطمئناً ضعف جامعه مدنی و ساختارها و مکانیسم‌های نظارتی به ویژه در دستگاه قضایی را به دنبال خواهد داشت. (روحی و رئیسی و جلالی، ۱۳۹۳: ۱۱)

۵- مصادیقی از حق دسترسی به وکیل در محاکم بین‌المللی

در صحنه جهانی طی سال‌های اخیر تحولات زیادی جریان پیدا کرده که در موارد متعددی مقوله حق بر وکالت در مرحله تحقیقات مقدماتی را می‌توان یافت. دیوان اروپایی حقوق بشر طی سال ۲۰۰۵ در قبال موارد متعددی نظریات فنی مهمی را مطرح کرد که هر یک نیازمند بررسی جداگانه هستند، ولی در یک توصیف کلی قابل ذکر است که برابر بررسی انجام شده، دیوان در خلال ۱۱۰۵ پرونده‌ای که در سال ۲۰۰۵ میلادی رسیدگی و رأی صادر کرد، در هشت مورد در خصوص دسترسی متهم به وکیل و اقدامات دولت‌ها در این ارتباط بررسی و به جز یک مورد که به صورت دوستانه بین طرفین دعوا حل و فصل شد، در بقیه موارد رأی صادر کرد که در آرای مزبور پنج مورد تخلف و نقض حق متهم را علیه کشورهای انگلیس، فرانسه، ترکیه احراز کرد و در دو مورد دیگر رأی به عدم نقض قواعد مربوط در پیمان‌نامه اروپایی حقوق بشر صادر کرد. یکی از پرونده‌هایی که برای درک بهتر رویه قضایی اروپایی مربوط به بحث این نوشتار شایسته تعمق است، قضیه اوجالان علیه دولت ترکیه است که در سال ۲۰۰۵ میلادی رأی نهایی آن صادر شد و به دلیل عدم رعایت موازین مختلف از جمله حق متهم در دسترسی به وکیل و ممانعت از ایفای نقش مؤثر وکیل در تحقیقات پرونده، دولت ترکیه متخلف شناخته شد و رأی صادره محاکم ملی این کشور نقض گردید. آنچه در رویه‌های قضایی مختلف می‌توان

مشاهده کرد، این است که دسترسی وکیل به متهم از همان مراحل اولیه دستگیری و دسترسی به وکیل به پرونده تحقیقات مقدماتی و ایفای نقش مؤثر از دیدگاه دیوان اروپایی امری کاملاً پذیرفته شده و قطعی تلقی می‌شود که حتی در موارد اتهامات تروریستی و یا امنیتی نیز دست حکومت‌ها را برای اعمال نظر باز نمی‌گذارد. (عبداللهی و کارگر، ۱۳۹۳: ۶) از جمله نکات جالب توجه تحولات جدید بین‌المللی این است که حتی در منطقه آسیا و اقیانوسیه که هنوز مفاهیم حقوق بشر به دلایل مختلف نهادینه نشده و مشکلات ساختاری متعددی گریبان‌گیر کشورهاست، در سال ۲۰۰۵ میلادی تحقیقی توسط شورای مشورتی حقوقدانان مجمع نهادهای ملی حقوق بشر که مرکب از حقوقدانان برجسته کشورهای آسیایی است، در مورد منع شکنجه انجام شد که از جمله توصیه‌های نهایی آن ارائه‌شده تحت عنوان حداقل استانداردهای بازجویی و تحقیقات مقدماتی بود. در بخشی از استانداردهای ۲۲ گانه پیشنهادی به موضوع حق بر وکیل در تحقیقات مقدماتی پرداخته شده که حاوی نکات جدیدی است. از جمله ضرورت مشورت متهم با وکیل در بازجویی، ضرورت حضور وکیل و یا شخص ثالث در مواقع عدم حضور وکیل و لزوم ملاحظه اسناد و مدارک پرونده توسط وکیل متهم. اصل دهم سند مزبور مقرر داشته: «هر فرد تحت بازجویی قبل از اینکه بازجویی شروع شود، باید فرصت مناسب برای مشورت با وکیلش را بدون تأخیر و به صورت خصوصی پیدا کند. مقامات مکلف هستند که تسهیلات تماس متهم با وکیل انتخابی‌اش را فراهم آورند. اگر شخص متهم توانایی اخذ وکیل و پرداخت هزینه مربوطه را نداشت، باید امکان وکیل رایگان فراهم شود.» اصل یازدهم سند مزبور نیز اعلام داشته: «شخص وکیل باید به صورت فیزیکی در خلال هر بازجویی حضور و حق مداخله در پرسش‌های متهم در جهت تضمین رعایت قانون را نیز داشته باشد. شخص متهم حق دارد اگر در خلال بازجویی خواست، بتواند با وکیل خود به صورت خصوصی مشورت کند.» اصل دوازدهم سند مزبور نیز مقرر نموده: «در مواردی که وکیلی در دسترس نیست یا فرد متهم نمی‌خواهد که وکیلی داشته باشد باید به شخص این امکان داده شود که در هر بازجویی یک نماینده از سازمان غیر دولتی مربوطه یا دوستان یا فامیل متهم به انتخاب وی حاضر باشد.» و در نهایت اصل بیستم سند مزبور که پس از اصول قبلی مربوط به ضرورت ضبط ویدیویی یا شفاهی و کتبی تمام بازجویی‌ها آمده است: «نوارهای ضبط شده باید در دسترس فرد تحت بازجویی و وکیل وی قرار گیرد. در صورتی که مدارک ثبت شده بازجویی‌ها کتبی باشد، شخص تحت بازجویی یا وکیل وی باید فرصت تصحیح آن را داشته باشد.» طی سال‌های اخیر به

نام مبارزه با تروریسم برخی کشورها اقدامات متعددی در سطح ملی یا فراملی در مورد مظنونین به تروریسم انجام دادند. صرف نظر از اینکه اصل اقدامات مزبور منجر به چه موارد نقض حقوق بشری شده است؛ به عنوان یکی از آثار و عواقب مثبت این وقایع، جامعه جهانی نسبت به سوءاستفاده‌های از قواعد بین‌المللی و منقدهای موجود آشنا تر شد تا با حساسیت بیشتری اقدامات دولت‌ها را تحت نظر بگیرد. از جمله حساسیت‌های مزبور، مربوط به حقوق متهمین در دسترسی به وکیل بود که حداقل معنای آن این است که در دنیای امروز نقض این حقوق نسبت به گذشته به شدت سخت‌تر شده و حکومت‌ها وظیفه دارند که در این مقوله دقت بیشتری معمول و ضعف‌های خود را برطرف نمایند. کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی این تضمین گفته است که متهم یا وکیل او باید از حق شرکت و دفاع فعال در تمام مراحل تحقیق و رسیدگی برخوردار باشند، همچنان که در صورت اعتقاد به غیر منصفانه بودن محاکمه از حق اعتراض به دادگاه برخوردارند. کمیسیون اروپایی حقوق بشر در دعوی به تاریخ ۸ مارس ۱۹۷۹ میلادی، علیه دولت ایتالیا موسوم به آرتیکو، تضمین پیش‌بینی شده در قسمت سوم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی را از اساسی‌ترین شاخص‌های مفهوم محاکمه منصفانه تلقی کرده است. نماینده دولت ایتالیا در دعوی مزبور اصرار داشته که نقض تضمین مورد بحث مختصر به مواردی است که متهم به واسطه عدم حضور در دادگاه یا عدم برخورداری از معاضدت وکیل متحمل زبانی شده باشد. کمیسیون با این استدلال که چنین تفسیری نه در منطوق عبارت قسمت سوم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون می‌گنجد و نه در منطوق آن، مفاد مقرر در مورد اشاره را متضمن یک تضمین مطلق از تضمین‌های دفاع شمرده است. (امیدی، ۱۳۷۹: ۴۳)

کمیته حقوق بشر موارد زیر را نقض قسمت سوم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق شمرده است:

- ۱- هنگامی که متهم از امکان دسترسی به هر نوع مشاوره حقوقی محروم بوده است.
- ۲- هنگامی که فردی بر خلاف میل متهم به عنوان وکیل مدافع وی انتخاب شده است.
- ۳- در مواردی که امکان ارتباط با وکیل از متهم سلب شده است.
- ۴- هنگامی که حق حضور متهم یا وکیل وی در مراحل مختلف رسیدگی نادیده گرفته شود.

کنفرانس هفتم سازمان ملل درباره پیشگیری از جرم (۱۹۸۵ میلادی) ضمن تأکید بر اهمیت نقش وکیل در دعاوی جزایی، اصول اساسی آن را بر شمرده و مقرر داشته که باید امکان برخورداری از وکیل بدون هیچ‌گونه تبعیض و تمایز برای همه افراد فراهم باشد. دولت‌ها و کانون‌های وکلاء موظف به پیش‌بینی تمهیدات لازم برای اعمال چنین

حقی هستند. امکان ارتباط مستمر با وکیل، امکان استعانت از وکیل و برخورداری از کمک رایگان وکیل در موارد عدم تمکن مالی، از حقوق تغییر ناپذیر متهم محسوب می‌شوند. این‌گونه تدابیر و تضمین‌ها را امروزه قوانین آیین دادرسی کیفری بیشتر کشورها پذیرفته‌اند. حفظ حقوق متهم با سازماندهی (ساختار) حق دفاع نیز تلاقی دارد. واضح است که تضمین خوب حقوق متهم، دسترسی آزاد او به یک یا چندین وکیل که تابع ضوابط و مقررات حرفه وکالت هستند را ایجاب می‌کند. مشکل، ناشی از کنترلی می‌شود که می‌توان روی انتخاب وکلاء اعمال شود، البته طرح این مشکل به خودی خود قابل تصور نیست، بلکه زمانی قابل طرح است که به علت عدم توانایی مالی متهمان برای انتخاب وکیل باید به وکلای تسخیری روی آورد. تأثیر این کار بر امر امکان دفاع متهم کاملاً واقعی بوده و هنوز تعادلی در این مورد یافت نشده است. به نظر، ایجاد یک کانون بین‌المللی وکلاء می‌تواند راه‌حل مناسبی برای این مشکل باشد. حداقل از این طریق می‌توان به مشکل هزینه‌های عدالت بین‌المللی واقف شد. البته طرح مسائل مربوط به هزینه‌های دادرسی در مقابل شدت جنایات قابل رسیدگی، کار درستی نیست اما اگر پول نباشد خطر اُفت شدید کاری وجود دارد. نکته قابل ملاحظه اینکه امروزه دیگر به سختی می‌توان در تشخیص حقوق و آزادی‌های افراد به متون و منابع داخلی اکتفا کرد، چرا که بخش عمده‌ای از این حقوق و آزادی‌ها در اسناد بین‌المللی یا منطقه‌ای مطرح می‌شوند. از نظر دولت‌های مترقی و اندیشمندان تربیت یافته آنان، اینکه منابع حقوق و آزادی‌های اساسی افراد به دو بخش ملی و فراملی تقسیم شوند و هر دو یکسان مورد مطالعه و ارزیابی و استناد قرار گیرند، امری کاملاً طبیعی و بی‌نیاز از اندیشه و استدلال است. در موارد مشاهده مغایرت میان مقررات ملی و مفاد متون و منابع فراملی به سادگی مقررات ملی به نفع الزامات فراملی نادیده گرفته می‌شود. اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی فرانسه مصوب ۴ اکتبر ۱۹۵۸ میلادی، اعتبار اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای را قوانین و مقررات داخلی به شمار می‌آورد. دیوان اروپایی حقوق بشر محاکم ملی را از اجرای مقررات داخلی مغایر با احکام عهدنامه‌های خارجی باز می‌دارد. از نظر این دیوان، محاکم ملی مکلفند منافع افراد را که در نتیجه عدم توجه به یک قاعده قابل اجرای بین‌المللی یا منطقه‌ای به خطر افتاده حفظ کنند. اثر مستقیم احکام مندرج در عهدنامه از اجرای هرگونه تصمیم داخلی مغایر جلوگیری می‌کند. دکترین و رویه قضایی دولت‌های عضو جامعه اروپا از این راه حل استقبال و حمایت کرده‌اند. به عنوان جدیدترین سند بین‌المللی که در متن آن رعایت حقوق متهمان تضمین و مصادیق آن ذکر شده، می‌توان به اساسنامه دیوان

کیفری بین‌المللی اشاره کرد که طبق ماده ۶۷ آن، این حقوق شامل عادلانه، بی‌طرفانه و مستقل رسیدگی کردن به اتهاماتی است که به افراد وارد شده است. همچنین زمان کافی و مناسب در اختیار متهم برای مشاورت و تنظیم دفاعیه خود قرار داده می‌شود و متهم می‌تواند به میل خود شخصاً و یا با کمک وکیل قانونی، از خود دفاع نماید. (سلیمیان و احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۵۴)

۶- حمایت از حق حضور وکیل مدافع در گستره فراملی

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی برای تضمین رعایت جلوه‌های حقوق شهروندی مانند داشتن وکیل در فرایند کیفری، نهادهای نظارتی حمایت‌گر و ضمانت اجراهای سیاسی و مدنی و تأسیس نهاد نظارتی قضایی را پیش‌بینی کرده‌اند.

۶-۱- نهادهای نظارتی حمایت‌گر

در گستره جهانی شماری از نهادهای فراملی، خواه در قالب ساز و کارهای غیر قراردادی و خواه در چهارچوب ساز و کارهای قراردادی به حمایت از حق داشتن وکیل در فرایند کیفری می‌پردازند. نهادهای فراملی غیر قراردادی که نهادهای فراملی عمودی نیز نامیده می‌شوند در پرتو اقتدار سازمان ملل متحد می‌توانند بر عملکرد دولت‌ها در زمینه اجرای درست و دقیق جلوه‌های حقوق شهروندی نظارت کنند. این نهادها خارج از توافق دولت‌ها از رهگذر پیمان‌نامه‌ها به بررسی رفتار آنها در زمینه نقض حق یاد شده مبادرت می‌ورزند. بنابراین سیاست‌گذاران جنایی فراملی با پیش‌بینی نهادهایی مانند شورای اقتصادی و اجتماعی (فصل دهم منشور ملل متحد) و شورای حقوق بشر درصدد ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و کمک به تحقق حق‌های انسانی، آزادیهای بنیادین و احترام به حقوق شهروندی برآمده‌اند. در کنار این نهادها شمار دیگری از نهادهای فراملی با رویکردی قراردادی و به شکل افقی به نظارت بر مقررات سیاست‌ها و رویه دولت‌ها در زمینه حقوق شهروندی از جمله حق داشتن وکیل در فرایند کیفری می‌پردازند. (متین‌دفتری، ۱۳۴۸: ۳۲) بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی با رویکردی غیر قضایی و از رهگذر ساز و کارهای غیر قراردادی یا قراردادی زمینه‌های حمایت از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل را در فرایند کیفری در گستره جهانی فراهم کرده‌اند. همچنین سیاست‌گذاران جنایی دو منطقه اروپا و آمریکا از رهگذر نهادهای قضایی از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری پشتیبانی کرده‌اند و در منطقه آفریقا نیز تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی با پیش‌بینی کمیسیون و دیوان

آفریقایی حقوق بشر و مردمان، زمینه‌های حمایت قضایی از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل را در فرایند کیفری فراهم ساخته‌اند. علاوه بر این حق داشتن وکیل در فرایند کیفری در گستره منطقه‌ای نیز از سوی نهادهایی که به این منظور تأسیس شده‌اند مورد حمایت قرار گرفته است. (زیامنش، ۱۳۹۳: ۷)

۲-۶- ضمانت اجرای مدنی

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی منطقه‌ای، در راستای حمایت از جلوه‌های حقوق متهمان از جمله حق داشتن وکیل در فرایند کیفری ضمانت اجرای مدنی را پیش‌بینی کرده‌اند. نهادهای قضایی منطقه‌ای می‌توانند در صورتی که دولت‌ها این حق را نقض کنند، آنها را به پرداخت خسارت عادلانه محکوم کنند. بنابراین ملاحظه می‌شود که در گستره منطقه‌ای نقض این حق از سوی دولت‌ها با پاسخ مدنی رو به رو می‌شود.

۳-۶- ضمانت اجرای سیاسی

سیاست‌گذاران جنایی فراملی جهانی، ضمانت اجرای سیاسی را برای حمایت از حق یاد شده در نظر گرفته‌اند. از این رو نهادهای نظارتی حمایت‌گر مطابق شماری از اسناد جهانی از جمله پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در صورت دریافت گزارش نقض حقوق شهروندی (متهم) از سوی دولت‌ها در صدد تنظیم و صدور اعلامیه، قطعنامه و مواردی مانند این بر می‌آیند. این گونه پاسخ‌دهی با برانگیختن قضاوت افکار عمومی فراملی نسبت به دولت‌ها آنها را به اجرای درست و دقیق این حق وا می‌دارد. البته تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی با وجود اینکه در شماری از اسناد جهانی و منطقه‌ای به پیش‌بینی ضمانت اجرای سیاسی و مدنی برای نادیده انگاشتن حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری مبادرت ورزیده‌اند، اما به نظر می‌رسد که این ضمانت اجرا به دلیل پیش‌بینی نشدن در اسناد جهانی و نبود سند الزام‌آور منطقه‌ای در برخی منطقه‌ها مانند آسیا قابلیت اعمال ندارد و حق متهمان در بهره‌مندی از وکیل در فرایند کیفری به درستی در گستره جهانی مورد حمایت قرار نگرفته است.

۴-۶- تأسیس نهاد نظارتی قضایی در گستره جهانی

نظارت قضایی یکی از مؤثرترین ساز و کارهای حمایت از جلوه‌های حقوق متهمان به شمار می‌رود. از این رو سیاست‌گذاران جنایی برخی از منطقه‌ها مانند اروپا به تأسیس نهاد نظارتی قضایی برای حمایت از حقوق متهمان در فرایند کیفری اقدام کرده‌اند، ولی به دلیل نبود نهاد یاد شده در همه منطقه‌ها مانند آسیا، به نظر می‌رسد که تأسیس نهاد

نظارتی قضایی در گستره جهانی نمی‌تواند در حمایت از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری نقش به‌سزایی ایفا کند. بدین ترتیب ایجاد یک نهاد قضایی مستقل مانند دیوان اروپایی حقوق بشر در گستره جهانی برای رسیدگی به شکایت متهمان در زمینه نقض حق‌های آنان در فرایند کیفری می‌تواند تا اندازه بسیاری بر بهبود وضعیت دادرسی عادلانه مؤثر باشد. (زیبامنش، ۱۳۹۳: ۸)



نتیجه گیری

اهمیت نهاد وکالت به منزله یکی از مهمترین جلوه‌های حقوق شهروندی و تضمین دادرسی عادلانه، پرورش یافته مکتب حقوق بشر و رهیافتی به سوی اجرای عدالت و حفظ کرامت انسانی بوده و در بسیاری از اسناد بین‌المللی هم به رسمیت شناخته شده است. بر این اساس، امروزه می‌توان وکالت را چه از لحاظ مبنایی و چه از لحاظ مفهومی در چارچوب اسناد بین‌المللی اعم از کنوانسیون‌ها، معاهدات، پروتکل، بیانیه‌ها و لوایح بین‌المللی مشاهده کرد. همچنین در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و معاهدات بشر دوستانه و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، «وکالت» رکن اساسی نظام قضایی است. به عنوان مثال در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون‌های اروپایی و آفریقایی حقوق بشر، به طور صریح از لوازم وجود و رعایت حق دفاع متهم و ضرورت حضور وکیل سخن گفته شده است. بنابراین می‌توان گفت که «وکیل و نهاد وکالت» نقش مستقیمی را در استقرار حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی دارد. لذا هنگامی که فردی در مظان اتهام به ارتکاب رفتاری مجرمانه قرار می‌گیرد، لاجرم برخی از حقوق مسلم فردی وی به مخاطره می‌افتد و با لحاظ چنین شرایطی و با هدف جلوگیری از تضییع حقوق افراد، نیاز و ضرورت حضور مقامی به عنوان «وکیل مدافع» در تمام مراحل دادرسی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی نهایی از لوازم حتمی و اجتناب‌ناپذیر یک دادرسی عادلانه بوده و از آنجایی که حق دفاع در تمام مراحل دادرسی به رسمیت شناخته شده است، پس باید حق حضور وکیل هم در تمام مراحل دادرسی که شامل مراحل مقدماتی و تحقیقاتی نیز می‌شود به رسمیت شناخته شود و این امر در تمام کنوانسیون‌ها تأکید شده است.

یادداشت‌ها

1. International Bill of the Right of man.
2. The Universal Declaration of Human Rights.
3. The International Covenant on Civil and Political Rights.
4. International Covenant on Economic, Social and Cultural.
5. Additional Protocols.
6. kumarshankardass.
7. E. Nielmacklelvey.



۸۴
دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

سال چهارم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

منابع

۸۵

دوفصلنامه مطالعات

حقوق بشر اسلامی

جایگاه نهاد وکالت در چارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر
ابوالفضل سلیمیان و همکار

- سلیمیان، ابوالفضل و احمدیان، سعید (۱۳۹۴)، *وکالت و حق داشتن وکیل در فرایند دادرسی*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- قهرمانی، نصرالله و یوسفی محله، ابراهیم (۱۳۸۷)، *مجموعه کامل قوانین و مقررات وکالت*، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.
- قهرمانی، نصرالله (۱۳۸۶)، *بررسی تطبیقی وظایف حرفه‌ای وکیل دادگستری*، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ اول.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷)، *حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- کوپل، اندرو (۱۳۸۳)، *رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان*، ترجمه حسن طفرانگار، تهران: نشر وفاق، چاپ اول.
- کشاورز، بهمن (۱۳۸۷)، *"وکیل - تحقیقات مقدماتی - اخلاق حرفه‌ای"*، مجموعه مقالات وکیل دفاع تحقیقات مقدماتی، انجمن حمایت از زندانیان، تهران: نشر گوهان، چاپ اول.
- کشاورز، بهمن (۱۳۸۰)، *وکیل دادگستری و اخلاق حرفه‌ای*، تهران: نشر کشاورز، چاپ اول.
- متین دفتری، احمد (۱۳۴۸)، *حقوق بشر و حمایت‌های بین‌المللی آن*، تهران: انتشارات بهمن، چاپ اول.
- مرکز مالگیری، احمد (۱۳۸۵)، *حاکمیت قانون مفاهیم - مبانی و برداشت‌ها*، تهران: دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- نامیان، پیمان و طیبی، سبحان، (۱۳۸۷)، «مطالعه موردی حقوق متهم در محاکمات کیفری ایران و مقایسه آن با کنوانسیون‌های حقوق بشر». *مجموعه مقالات وکیل دفاع تحقیقات*

- مقدماتی**، انجمن حمایت از زندانیان، تهران: نشر گواهان، چاپ اول.
- امیدی، جلیل، (۱۳۷۹)، «حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر»، **مجله کانون وکلاء**، شماره ۱۷۱، ص ۴۳.
- رئیسی، لیلا، (۱۳۹۱)، «ماهیت استقلال وکیل دادگستری و مسئولیت نقض آن در جامعه بین‌المللی»، **نشریه مدرسه حقوق کانون وکلای دادگستری اصفهان**، شماره ۷۸، ص ۲۳۸.
- روحی، عباد و رئیسی، لیلا و جلالی، محمود، (۱۳۹۳)، "نقش وکیل در استقرار حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر"، **اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق**، یزد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ص ۱۱.
- زیبامنش، فاطمه، (۱۳۹۳)، "حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در فرایند کیفری"، **اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق**، یزد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ص ۷.
- سیفی قره یتاق، داوود و مهدی پور، محمد، (۱۳۹۳)، "ضرورت مداخله وکیل در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران"، **اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق**، یزد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ص ۵.
- طیبی، سبحان و نامیان، پیمان و میرترابی، هدیه سادات، (۱۳۹۳)، "چالش‌های وکالت در رعایت حقوق شهروندی از منظر استانداردهای بین‌المللی"، **اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق**، یزد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ص ۶.
- طهماسبی، سارا و باقری، مصطفی، (۱۳۹۳)، "استقلال وکیل و کانون وکلای دادگستری"، **اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق**، یزد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ص ۹.
- عزیزی فرد، مهدی و اسدی نیا، فاطمه، (۱۳۹۳)، "معیارهای حقوق بشری نهاد وکالت در نظام حقوقی ایران"، **اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق**، یزد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ص ۷.
- عبدالهی، سید میثم و کارگر، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، «حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و ایجاد تحولات جدید در اسناد و رویه‌های بین‌المللی»، **اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، یزد، ص ۶.
- معتمدی، رضا، (۱۳۷۹)، "قانون بین‌المللی وکلاء و معیارهای استقلال"، **مجله مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی نور**، شماره ۱۷۷، ص ۳۰.